

به نام او که برد به سوگند نام لوح و قلم را



موضوع

مروری بر وضعیت و عملکرد اقتصاد ایران

کاری از اندیشکده پول و ارز

حدود مسئولیت

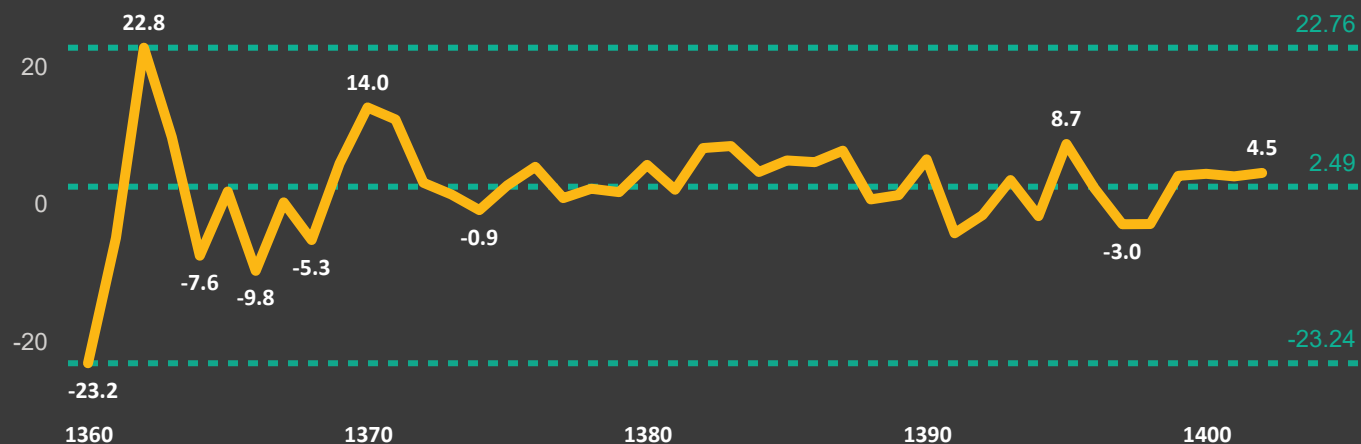
این گزارش توسط اندیشکده پول و ارز وابسته به موسسه مطبوعاتی پول و ارز با رعایت دقت تهیه شده و هدف از آن تحلیل کلان روند های اقتصاد ایران در 3 دهه اخیر بوده است. این گزارش همچنین مقدمه ای بر وضعیت موجود و فضای اقتصادی پیش روی دولت تازه تاسیس چهاردهم نیز خواهد بود



وضعیت بخش واقعی اقتصاد ایران
(رشد اقتصادی، سرمایه گذاری، بازار کار)

روند رشد اقتصادی ایران (با احتساب نفت) از سال 1360 تا پایان سال 1402 - درصد

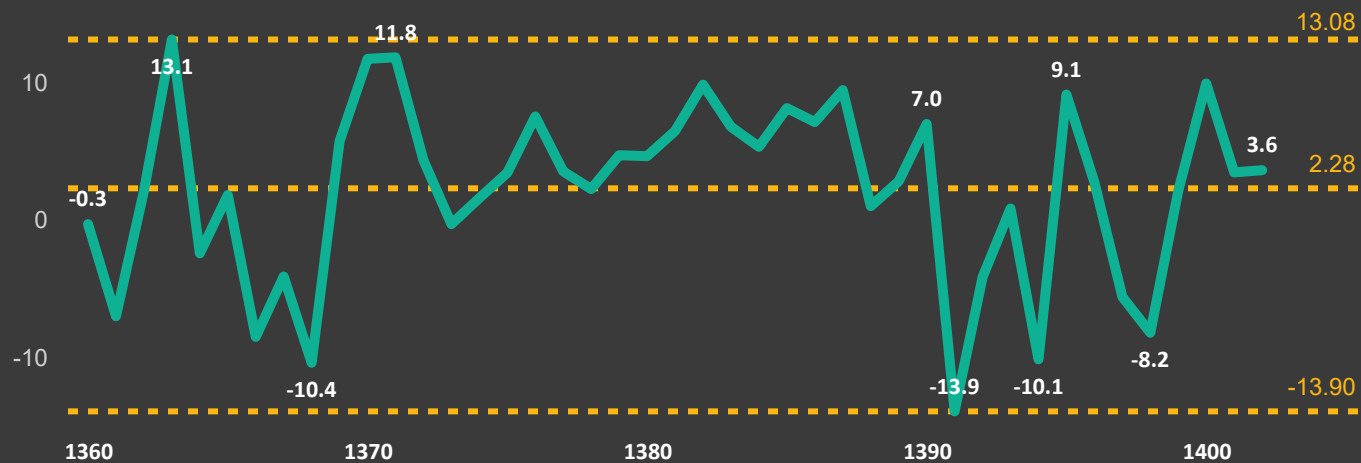
منبع: مرکز آمار ایران



متوسط رشد تولید ناخالص داخلی با احتساب نفت در 3 دهه اخیر به صورت سالانه برابر با 2.49 درصد بوده که این عدد در دهه 90 تنها 0.9 درصد بوده است. با این وجود متوسط رشد اقتصادی در 3 سال دولت سیزدهم به 4.3 درصد افزایش پیدا کرده و در سال 1402 در حدود 4.5 درصد ثبت شده است. به طور کلی در 3 سال اخیر با افزایش 4 برابری فروش نفت، رشد اقتصادی نفتی نیز جهش قابل ملاحظه ای در مقایسه با دهه 90 داشته است

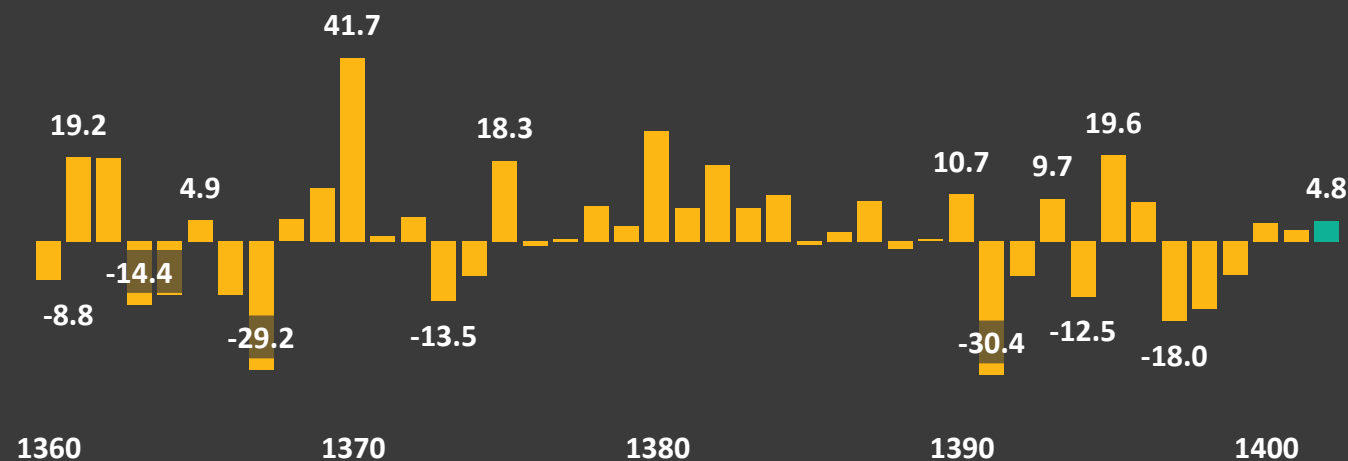
روند رشد اقتصادی ایران (بدون احتساب نفت) از سال 1360 تا پایان سال 1402 - درصد

منبع: مرکز آمار ایران

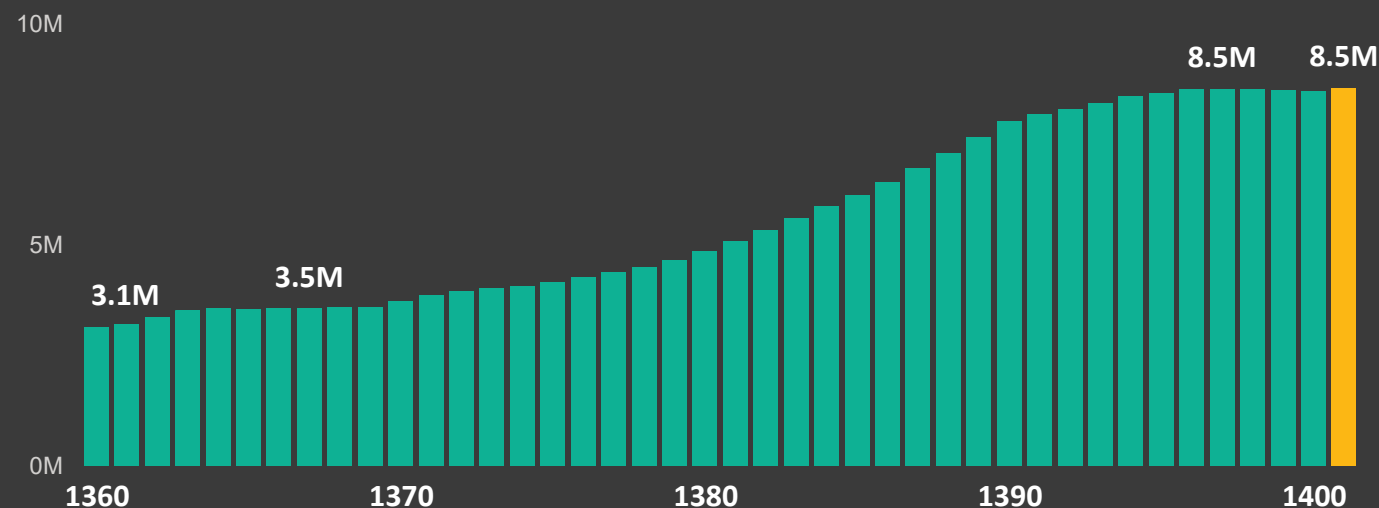


متوسط رشد تولید ناخالص داخلی بدون احتساب نفت در 3 دهه اخیر به صورت سالانه برابر با 2.28 درصد بوده که این عدد در دهه 90 به منفی 2 درصد تنزل پیدا میکند. با این وجود متوسط رشد اقتصادی در سال های اولیه دهه 1400 در حدود 4 درصد بوده که همچنان نشان از فاصله عمیق این متغیر با اعداد هدف گذاری شده در برنامه ها و اسناد بالا دستی سیاست گذاری کشور دارد

نرخ رشد سرمایه گذاری داخلی ایران از سال 1360 تا پایان سال 1402 - درصد



رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران از سال 1360 تا پایان سال 1402 - میلیارد ریال

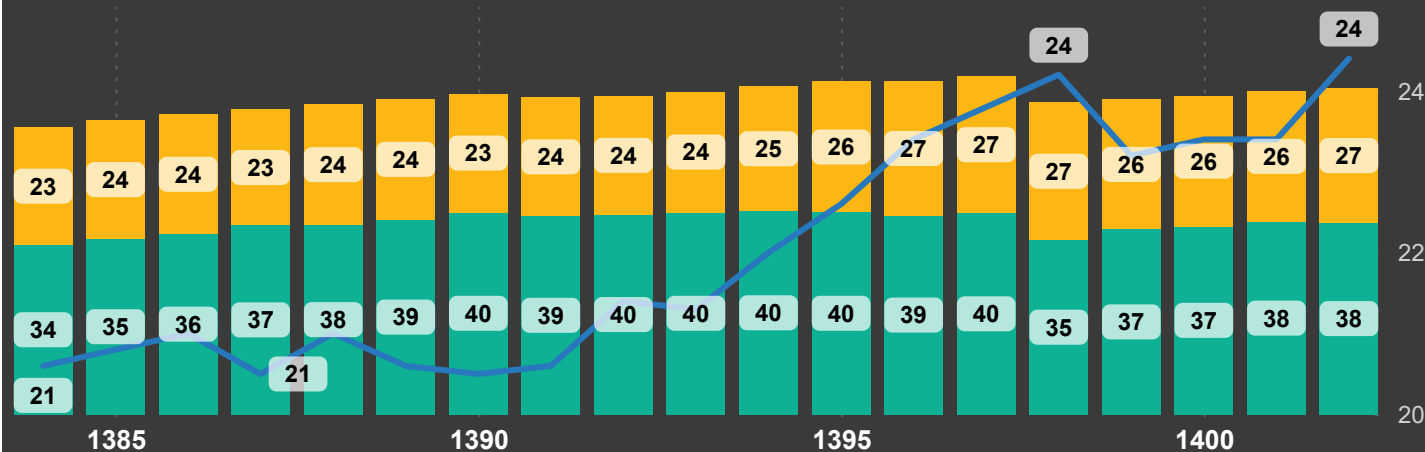


تشکیل سرمایه در تولید ناخالص داخلی نشان دهنده سرمایه گذاری در کل تولید ناخالص داخلی است و به عنوان درصدی از محصول ناخالص داخلی مورد محاسبه قرار می گیرد. این شاخص نشان دهنده فرایندها و الگوهای فعالیت های تولید اقتصادی بوده و به عنوان یک عامل مهم فرایند توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه تلقی می شود که افزایش آن جزو اهداف همه کشورها تلقی می شود

میانگین نرخ رشد سرمایه گذاری داخلی در 3 دهه اخیر به صورت سالانه برابر با 2 درصد بوده که این عدد در دهه 90 به منفی 4 درصد تنزل پیدا میکند. منفی بودن نرخ رشد سرمایه گذاری در سال های 1397 تا 1399 به این معنی است که نرخ استهلاک از سرمایه گذاری پیشی گرفته و نه تنها سرمایه گذاری جدید رخ نداده بلکه، استهلاک تجهیزات رقم بالاتری را نشان میدهد. متوسط نرخ رشد سرمایه گذاری داخلی در دولت سیزدهم به 3.81 درصد رسیده که این عدد برای سال 1402 برابر با 4.8 درصد ثبت شده است

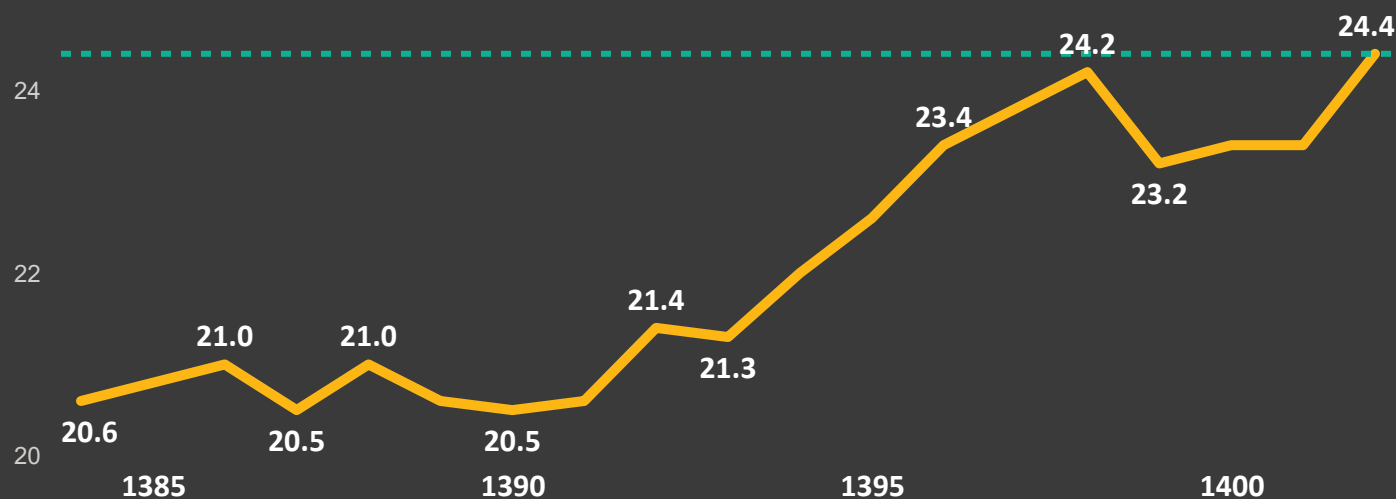
وضعیت نیروی کار در کشور

● شاغلان ● جمعیت فعال ● جمعیت غیر فعال



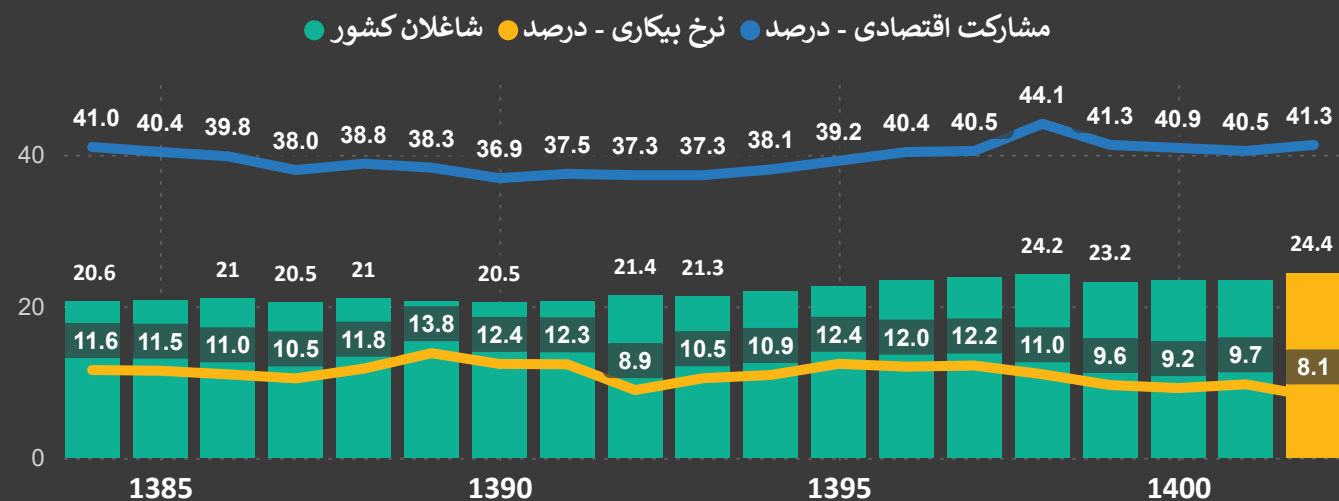
جمعیت فعال به آن دست از افراد تلقی شده که در سنین کار قرار دارند که یا به عنوان فرد شاغل در زمان مورد بحث فعالیت دارد و یا به مثابه فرد بیکار در جستجوی کار، برای یافتن کار فعالیت میکنند. تعداد جمعیت فعال کشور در سال 1402 با افزایش 700 هزار نفری در مقایسه با سال 1400 به حدود 27 میلیون رسیده است. در مقابل جمعیت غیر فعال نیز در سال 1402 در مقایسه با سال گذشته خود 200 هزار نفر کاهش پیدا کرده است

تعداد شاغلان کشور



وضعیت نیروی کار در کشور نشان میدهد که از سال 1384 تا سال 1398، این متغیر روند افزایشی تجربه کرده و در سال 1398 به حدود 24.2 میلیون نفر رسیده است. اثرات کرونا و تحریم تعداد شاغلان کشور را به 23.2 میلیون نفر در سال 1399 رسانده اما در نهایت در سه سال اخیر با از سرگیری روند مثبت به 24.4 میلیون نفر در سال 1402 میرسد

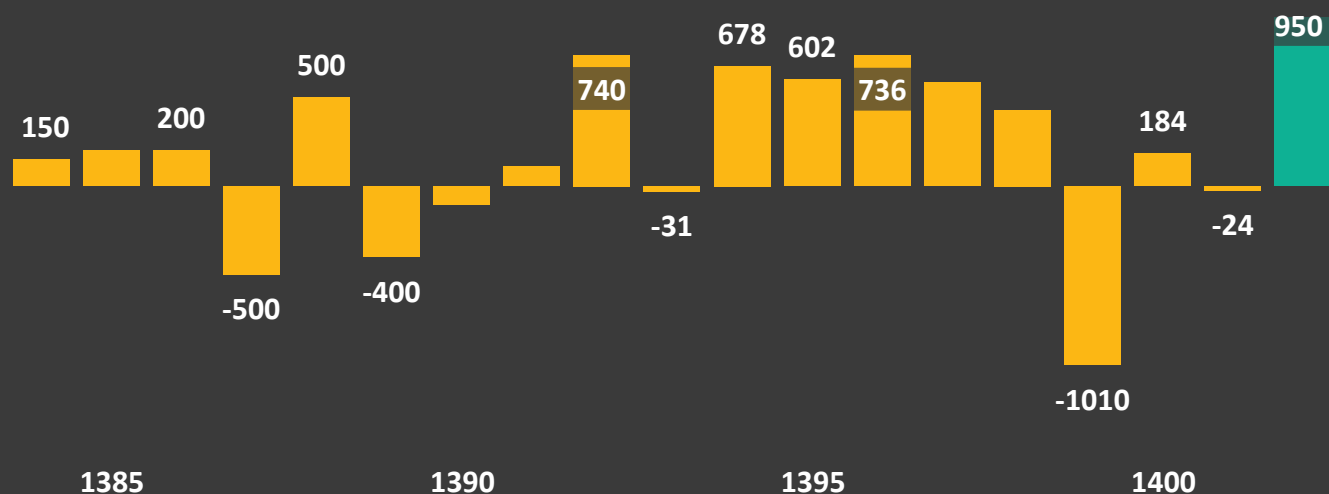
روند نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در ایران از سال 1384 تا پایان 1402



نرخ بیکاری کل کشور از 9.7 درصد در سال 1401 به 8.1 درصد در سال 1402 رسیده است. این اولین بار بعد از سال 1392 است که نرخ بیکاری کشور به کمتر از 9 درصد میرسد. همزمان با کاهش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی نیز افزایشی بوده و به 41.3 درصد رسیده است

زمانی که نرخ بیکاری کاهش و نرخ مشارکت اقتصادی افزایش پیدا می کند نشان می دهد که کاهش نرخ بیکاری در آن اقتصاد به دلیل رونق بازار کار و بهبود فضای کسب و کار بوده است. این مهم نمود خود را در «خالص ایجاد شغل» نشان میدهد

روند خالص ایجاد شغل در ایران از سال 1384 تا پایان سال 1402 - هزار نفر

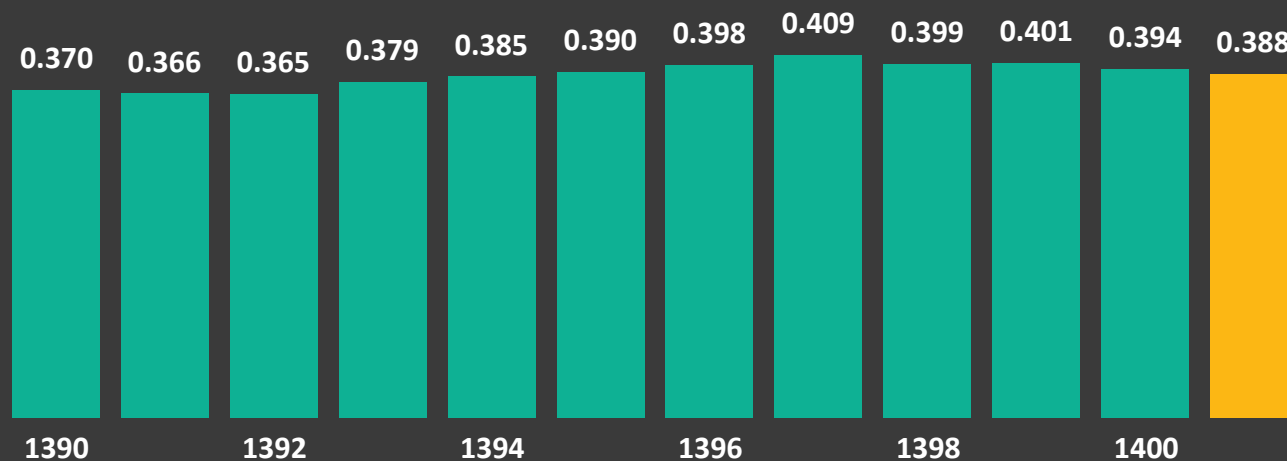


روند خالص ایجاد شغل در ایران نشان میدهد که در سال 1402 حدود 950 هزار شغل در ایران ایجاد شده که بیشترین مقدار طی 20 سال گذشته است



وضعیت توزیع درآمد
ضریب جینی، درآمد سرانه و هزینه درآمد (
خانوارها)

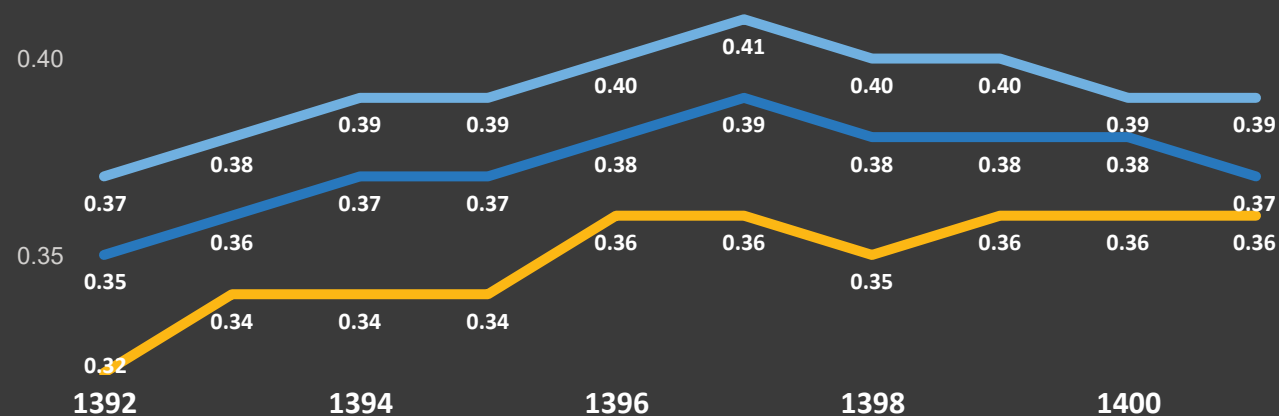
ضریب جینی از سال 1390 تا پایان سال 1401- درصد



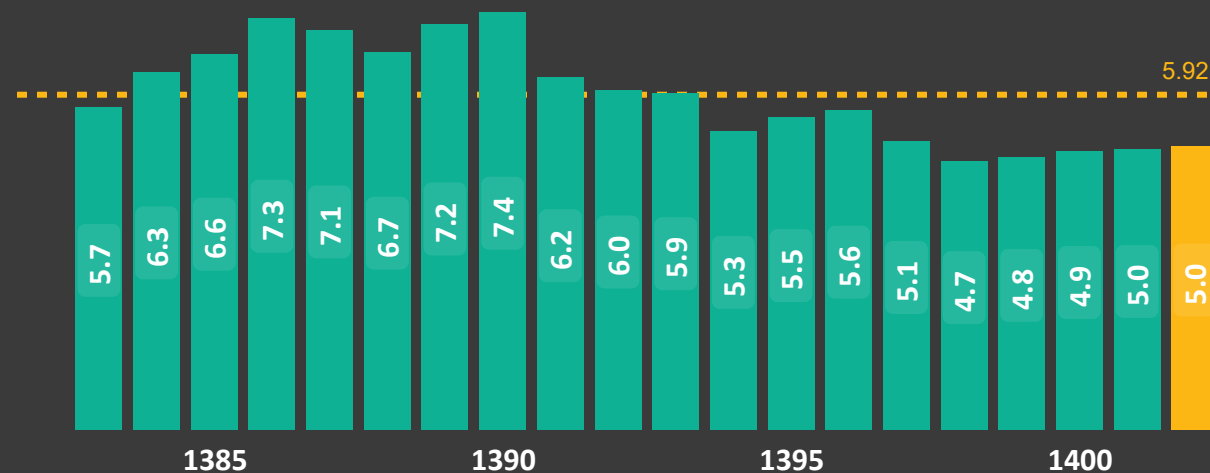
به صورت کلی گفته می‌شود هر چقدر ضریب جینی کاهش یابد و به سمت عدد صفر برود، نشان از کاهش نابرابری در میان افراد جامعه دارد. این کاهش به معنای آن است که فاصله میان فقرا و ثروتمندان در جامعه کاهش یافته است. بر اساس آمارها با آغاز دهه 90 ضریب جینی به مدت 2 سال کاهش یافته و پس از آن تا سال 1400 روند افزایشی داشته است. ضریب جینی در سال 1401 به 0.388 واحد درصد کاهش یافته است. به صورت تفکیکی نیز ضریب جینی مناطق شهری در سال 1401 کاهشی بوده و به 0.37 درصد رسیده و ضریب جینی مناطق روستایی نیز بعد از یک دوره افزایش در سه سال منتهی به 1401 ثابت مانده است

وضعیت نابرابری از سال 1392 تا پایان سال 1401- درصد

● ضریب جینی - مناطق شهری ● ضریب جینی - مناطق روستایی ● ضریب جینی - کل کشور



درآمد سرانه ایران - میلیون تومان

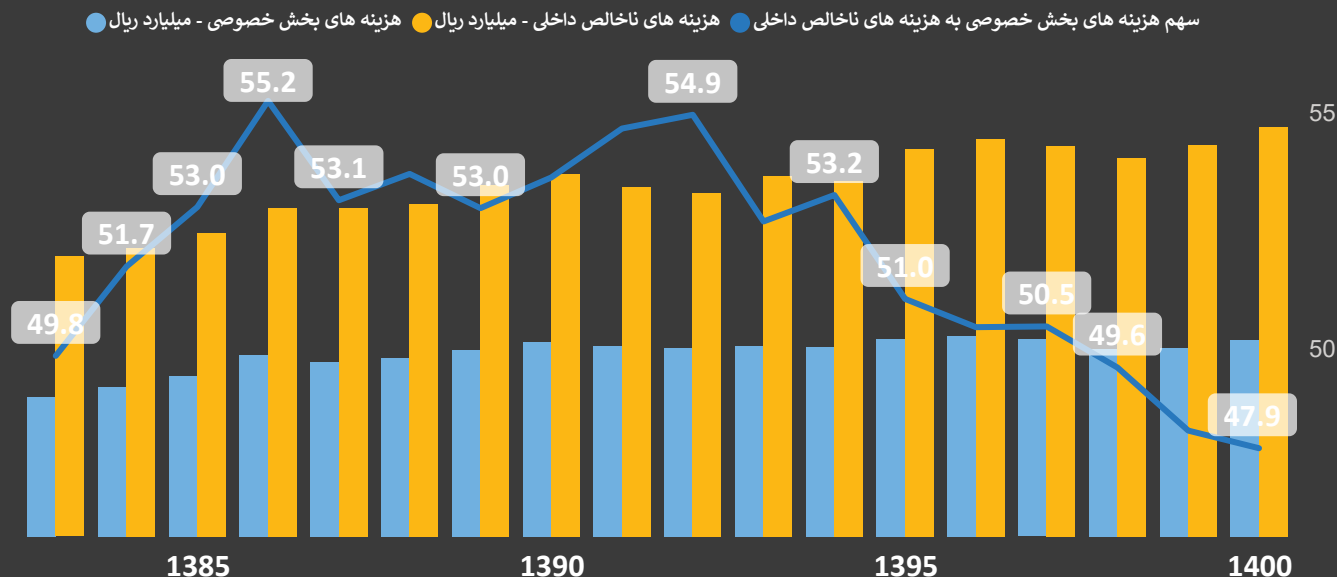


با استفاده از برآوردهای جمعیتی مرکز آمار از سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ و همچنین پیش‌بینی‌های جمعیتی این مرکز از سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۵، می‌توان به درآمد سرانه هر ایرانی رسید. دو عدد برای محاسبه درآمد سرانه وجود دارد: درآمد جاری و درآمد به قیمت‌های ثابت

بر این اساس، درآمد سرانه هر ایرانی در سال ۱۴۰۲ به قیمت‌های جاری در حدود ۵۵ میلیون تومان بوده است. اما برای مقایسه این درآمد با سال‌های دیگر، نیاز است که اثر تورم از آن استخراج شود. به همین دلیل باید از داده‌های درآمد ملی به قیمت ثابت استفاده کرد.

با توجه به جمعیت حدوداً ۸۶ میلیونی کشور در سال گذشته، درآمد سرانه هر ایرانی به قیمت ثابت سال ۹۰، در حدود ۵ میلیون تومان است. عددی که در قیاس با سال ۱۴۰۰ افزایش ۲ درصدی داشته است. توجه داشته باشید که افزایش درآمد سرانه در سال ۱۴۰۲ در حالی رقم خورده که از سال ۱۳۹۰ به بعد این شاخص با شدت زیادی کاهش پیدا کرده و از رقم ۷.۴ میلیون تومانی سال ۱۳۹۰ به رقم ۴.۸ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ رسیده است

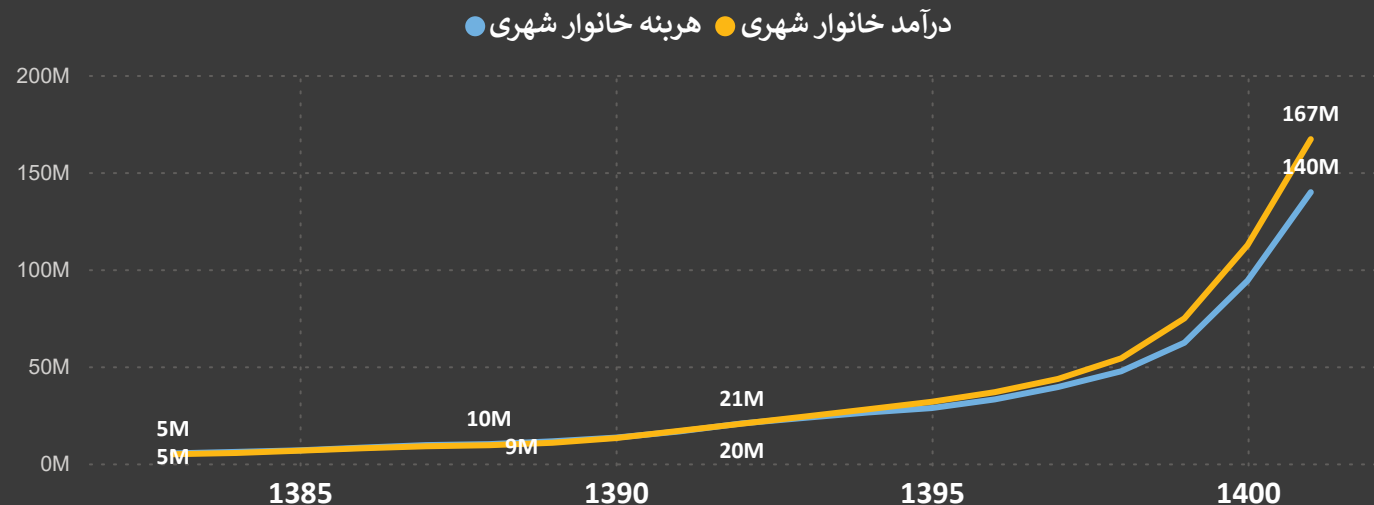
سهم هزینه های بخش خصوصی از هزینه های ناخالص داخلی



مخارج مصرف نهایی خصوصی در سمت تقاضای کل دارای بیشترین سهم و در نتیجه بیشترین تاثیر بر هزینه کل است. به طور کلی هزینه نهایی بخش خصوصی از مجموع مصرف نهایی خانوار و مصرف نهایی موسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار به دست می آید. موسسات غیرانتفاعی در این تعریف، نهادهای قانونی یا اجتماعی هستند که به منظور تولید کالاها و خدمات تشکیل می شوند ولی تولید آنها منبع درآمد، سود یا دیگر عواید مالی برای واحدهای موسس یا کنترل کننده آنها نیست

براساس داده های مرکز آمار، مصرف بخش خصوصی از ابتدای دهه نود (به جز سال های 93، 95 و 96) همواره افت داشته که حاکی از تغییر رفتار مصرف کننده در دهه نود است. براساس این آمار مصرف نهایی خصوصی در سال 1400 (آخرین آمار اعلام شده) نسبت به سال 99 در حدود 4 درصد افزایش پیدا کرده که این عدد پس از افت شدید این متغیر در دهه 90 حاصل شده است. به طور کلی این تغییر رفتار مصرف کننده طی سال های اخیر می تواند یکی از علائم بروز رکود اقتصادی در اقتصاد کشور باشد. به هرصورت درباره دلایل کاهش مصرف بخش خصوصی می توان به افزایش قابل توجه تورم طی سال های اخیر اشاره کرد

وضعیت هزینه و درآمد خانوارهای شهری ایران در 2 دهه اخیر - میلیون تومان

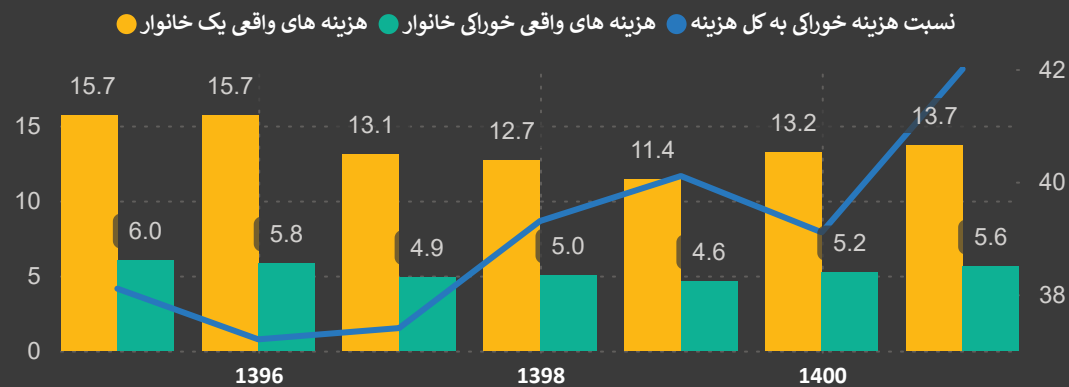


کیفیت زندگی و روند تحولات مربوط به معیشت خانوارهای ایرانی در طول سالیان گذشته همواره یک مسیر مشخص را طی کرده و آن هم فاصله بین هزینه و درآمد بوده است

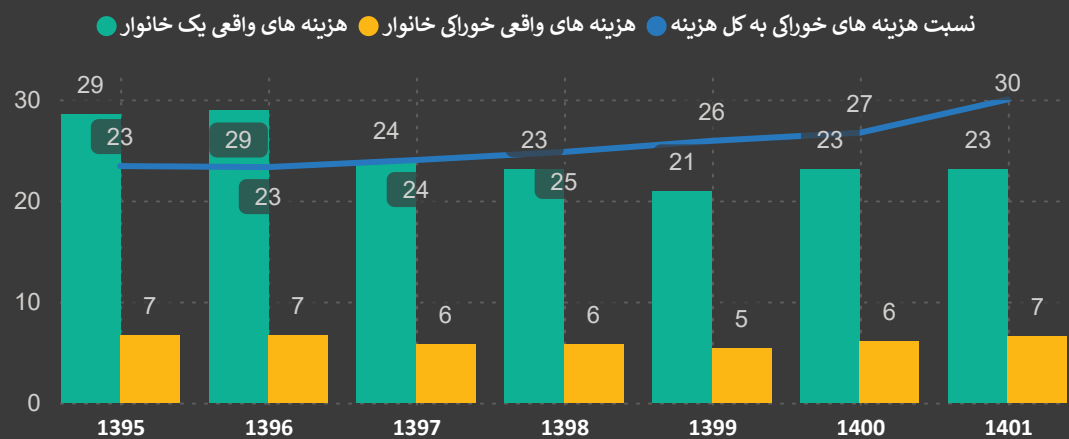
داده‌های منتشرشده ازسوی مرکز آمار نشان می‌دهد که متفاوت از سال‌های گذشته مخصوصاً در دولت‌های نهم و دهم که خانوارها معمولاً با کسری بودجه دسته و پنجه نرم می‌کردند این بار پس از یک وقفه کوتاه تعادلی در سال‌های 92 و 93 اختلاف روزافزونی بین هزینه و درآمدهای آنها پیش آمده است به‌طوری که درآمد خانوارهای شهری در سال 1401 حدود 167 میلیون و هزینه آنها نیز حدود 140 میلیون تومان است که در مقایسه با سال قبل خود رشدهای 45 درصدی را ثبت کرده‌اند

چنین افزایشی نشان می‌دهد افزایش سطح قیمت‌ها با ایجاد نگرانی و بی‌ثباتی در اقتصاد در نهایت منجر به کاهش هزینه‌های خانوارها شده و این روند از سال 94 به بعد همچنان ادامه دارد. این اتفاق هرچند ممکن است تأثیر گرفته از تحریم‌ها باشد اما به‌مراتب برای اقتصاد کشور چالش‌هایی دارد چراکه کاهش هزینه‌های خانوارها به‌معنای کاهش مصرف و در ادامه کاهش تولید و سرمایه‌گذاری‌ها در کشور خواهد بود که در نهایت رشد و توسعه اقتصادی را هدف قرار می‌دهد. از همین رو در دولت سیزدهم نیز اقدامات معیشتی با هدف تحریک تقاضا خانوارها خصوصاً خانوارهای دهک‌های پایین‌تر انجام شد که بر اساس آمارها، ادامه این اقدامات گریز ناپذیر است

نسبت هزینه های خوراکي یک خانوار روستايي به کل هزینه های یک خانوار_اعداد بر اساس تورم تعديل شده است



نسبت هزینه های خوراکي یک خانوار شهري به کل هزینه های یک خانوار_ اعداد بر اساس تورم تعديل شده است



براساس اطلاعات هزینه - درآمد خانوارهای کشور متوسط هزینه خوراکي یک خانوار شهري و روستايي (هزینه واقعی و تعديل شده با تورم) طی سالهای 1395 تا 1401 روند با ثباتي داشته اما در نهايت سهم این مهم از کل هزینه های واقعی یک خانوار افزایش پیدا کرده است

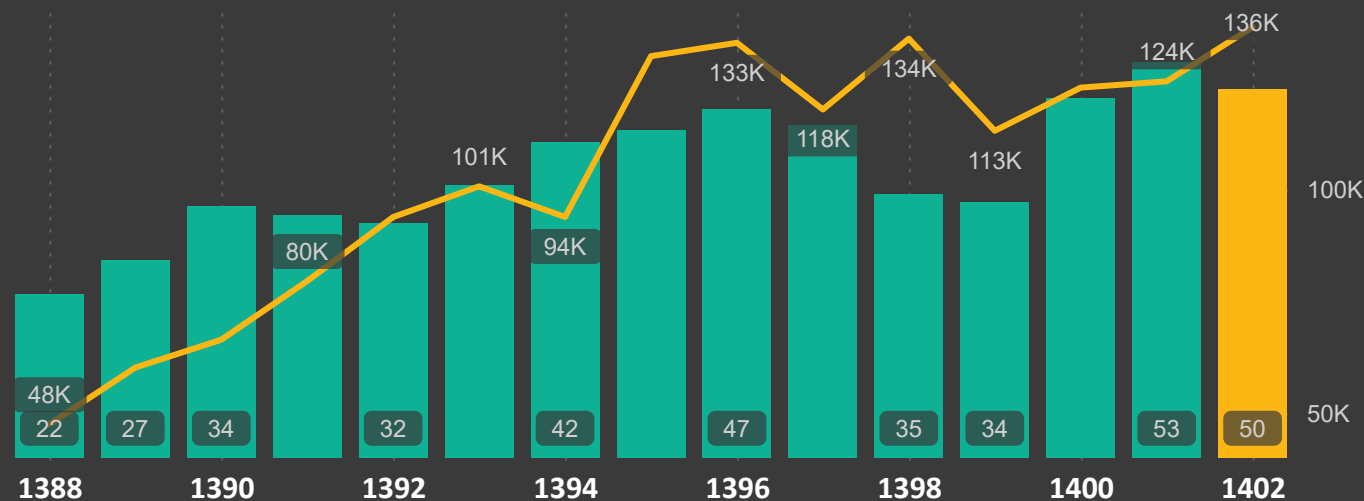
سبد خوراکي هر خانوار مهم ترین و اصلی ترین نیاز آنهاست و در صورت کاهش کیفیت و کمیت آن مستقیماً رفاه و سلامت آن ها نشانه خواهد رفت



وضعیت تجارت خارجی
(تجارت نفتی و غیر نفتی)

روند صادرات کالا به ایران

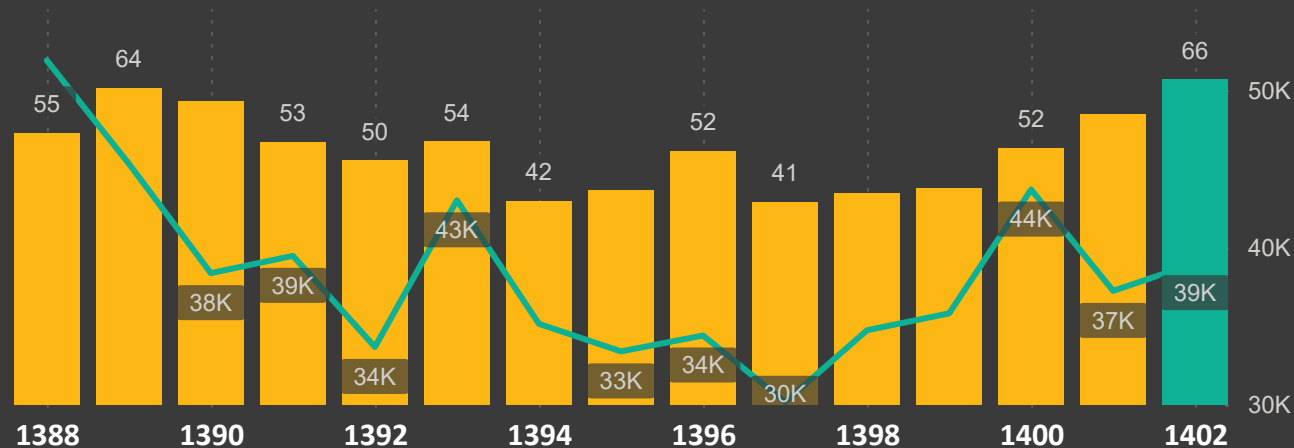
وزن صادرات - هزار تن ● صادرات - میلیارد دلار



میانگین صادرات غیر نفتی ایران در 3 سال اخیر به ارزش 50 میلیارد دلار بوده که این رقم در حد فاصل سال های 1398 و 1399 به دلیل محدودیت های کرونایی و همچنین تحریم ها در حدود 34.5 میلیارد دلار بوده است. جالب توجه است که میانگین صادرات در 3 سال اخیر از سال های 94 تا 96 که سال های برجای بوده، بیشتر بوده است. این مهم نشان میدهد که گفتمان و سیاست همسایگی در سال های اخیر بیش از سال های برجای در تجارت خارجی ایران اثرات واقعی داشته است. میانگین صادرات غیر نفتی از لحاظ وزنی نیز روند رو به رشدی داشته و به این ترتیب در سال 1402 مجموع صادرات وزنی ایران در حدود 136 میلیون تن بوده که در مقایسه با سال 1401 تقریباً 11 درصد رشد داشته و بالاترین صادرات وزنی ایران در 10 سال گذشته به شمار می آید

روند واردات کالا به ایران

وزن واردات - میلیون تن ● واردات - میلیون دلار

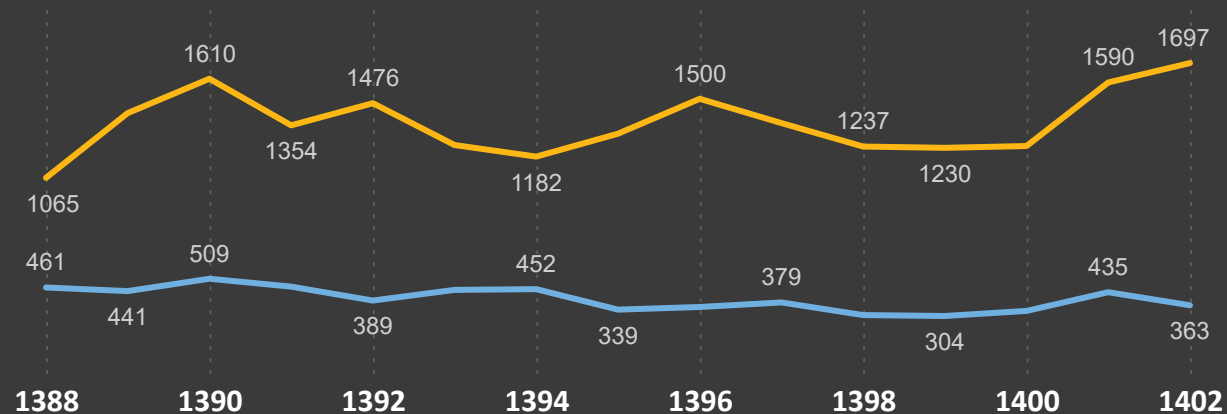


واردات کشور از سال 1397 روند صعودی داشته و نکته جالب این است که حتی در دوران کرونا نیز روند صعودی کند شده اما قطع نشده است، یکی از دلایل افزایشی بودن واردات ایران، عدم جایگزینی واردات در کالا های اساسی بوده که در هر صورت واردات آن ها الزام دارد.

واردات کشور در سال 1403 ارزش 66 میلیارد دلاری و وزن 39 میلیون تنی داشته که در مقایسه با سال 1401 به لحاظ ارزشی 10 درصد و به لحاظ ارزی 5 درصد افزایش پیدا کرده است. لازم به ذکر است که در سال 1402 بیش از 40 درصد از کالا های وارداتی را، کالا های اساسی (اعم از گندم، دارو، کنباله، ذرت و ...) تشکیل میدهد که در مقایسه با سال 1401 رشد 29 درصدی داشته است. این احتمال وجود دارد که افزایش شدید واردات کالا های اساسی به بیش ازپاری واردکنندگان به جهت استفاده از ارز ترجیحی نیز اتفاق افتاده باشد

ارزش هر تن کالای صادراتی و وارداتی - دلار

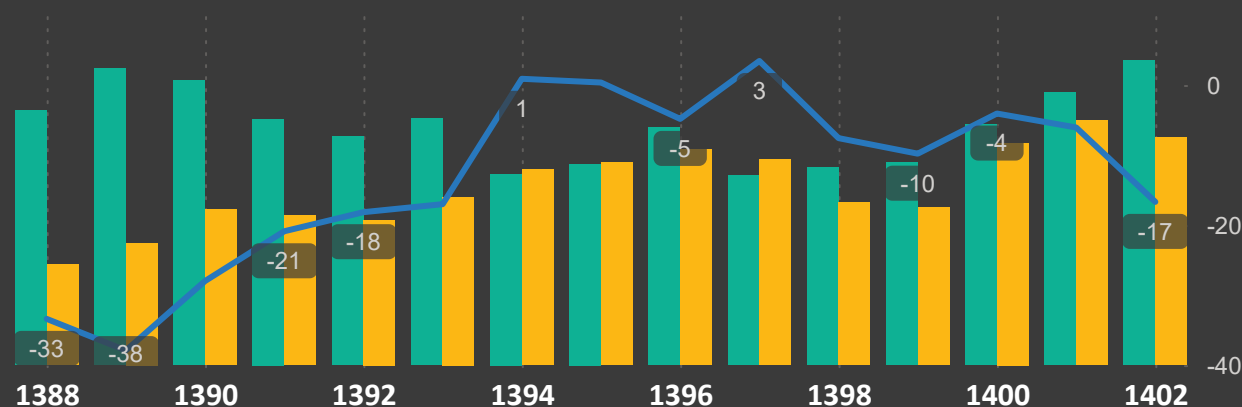
● هر تن کالای صادراتی ● هر تن کالای وارداتی



براساس آمارهای گمرک ایران، متوسط ارزش هر تن کالای صادراتی کشور در 15 سال اخیر در حدود 398 دلار بوده که این رقم برای سال 1402 با افت 15 درصدی در مقایسه با سال 1401 به 363 دلار رسیده است. در مقابل اما ارزش هر تن کالای وارداتی به صورت متوسط 1363 دلار و برای سال 1402 حدود 1697 دلار بوده است. گفته میشود علت اصلی افزایش ارزش هر تن کالای وارداتی به واردات طلا و تلفن همراه در سال 1402 مربوط است. به طور نگاهی به آمارهای تجارت خارجی کشور در سنوات گذشته نشان میدهد عمده صادرات غیرنفتی کشور بر مواد خام نفتی و معدنی متمرکز بوده که در پایینترین سطوح خلق ارزش افزوده قرار دارند. مسیری که با وجود تحریمهای نفتی به هیچوجه ایدهآل اقتصاد ایران نیست و به نظر میرسد اقتصاد کشور از ریل نفت خارج و به ریل دیگر مواد و منابع معدنی و همچنین تولیدات خام کشاورزی وابسته شده است

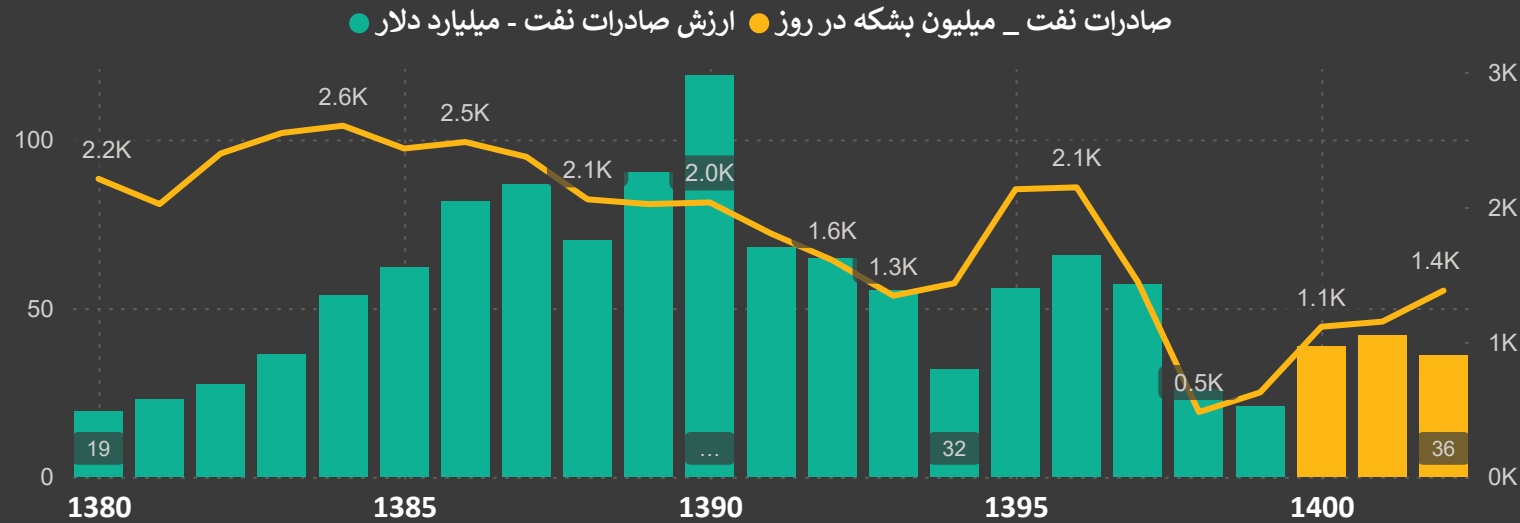
تراز تجاری ایران (بدون احتساب نفت) - میلیارد دلار

● واردات ● صادرات ● تراز تجاری



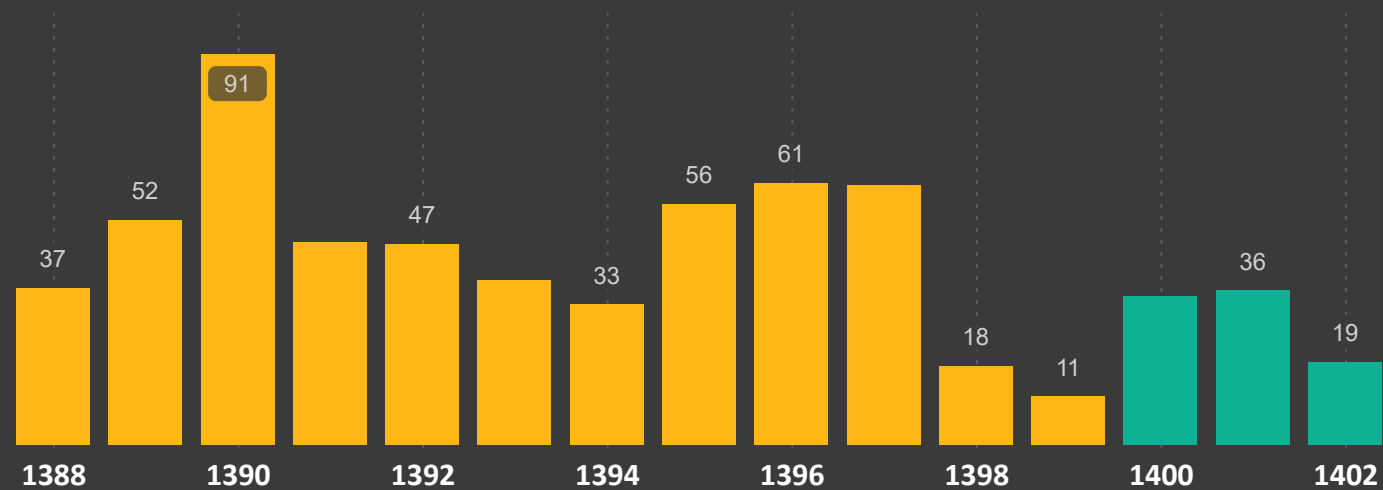
بر اساس اعلام گمرک ایران، کسری تجاری ایران در سال 1402 نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار بوده است. به طور کلی تراز تجاری غیر نفتی ایران همواره با کسری مواجه بوده و این روند از سال 1396 رو به رشد بوده است. به طور مصداقی در سال 1403 صادرات ایران از نظر ارزش نسبت به سال گذشته با کاهش مواجه شده و در ازای آن ارزش واردات رشد زیادی را تجربه کرده است؛ همین موضوع کسری تجارت را دامن زده است

روند صادرات نفتی ایران



صادرات نفت ایران در دولت سیزدهم رکورد 117 میلیارد دلار را ثبت نموده که با لحاظ شرایط تحریمی، عملکرد بسیار مثبتی تلقی خواهد شد. همچنین بر اساس آمارهای کیلر، صادرات نفت ایران در سال 1403 به صورت متوسط 1 میلیون 380 هزار بشکه در روز بوده که در مقایسه با سال 1401 در حدود 20 درصد و در مقایسه با سال 1399 تقریباً 120 درصد افزایش داشته است. «آژانس اتحاد علیه ایران» به عنوان موسسه تحقیقاتی وابسته به حزب جمهوری خواهان آمریکا با تاکید بر این آمارها از موفقیت ایران در فروش نفت در 3 سال اخیر سخن گفته اند و تاکید زیادی بر مقابله با این روند دارند

تراز تجاری ایران (با احتساب نفت)- میلیارد دلار

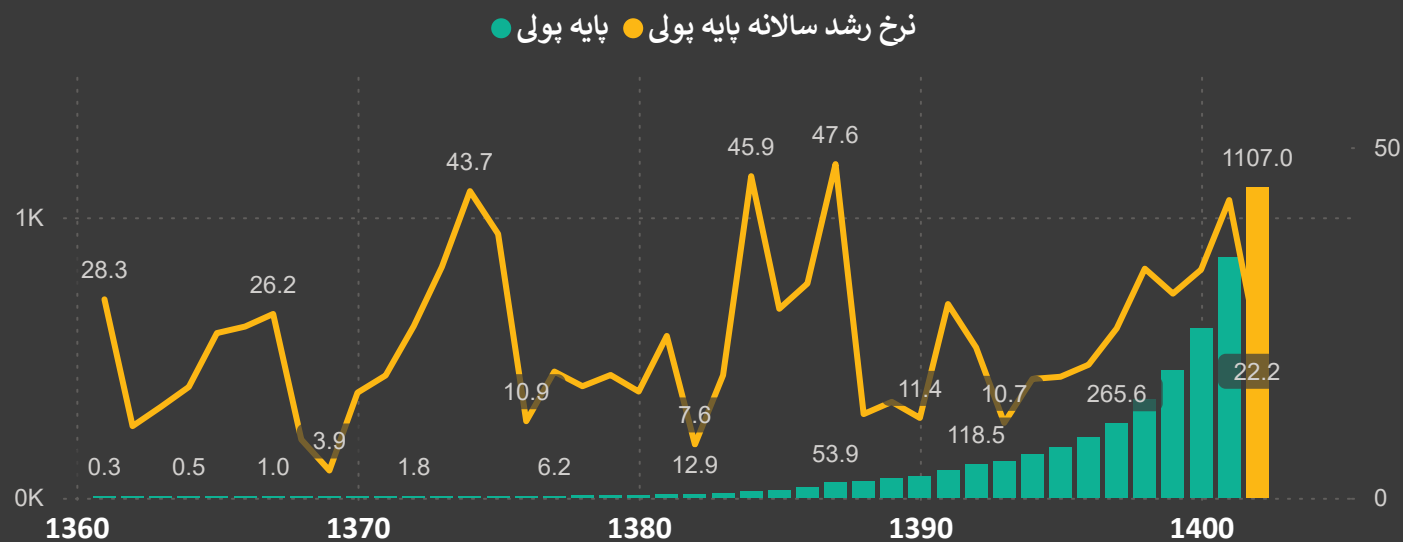


تراز تجاری غیر نفتی ایران همواره با کمک مازاد تجاری در حوزه نفت مثبت شده و این عدد در سال 1403 به حدود 19 میلیارد دلار رسیده است. میانگین تراز تجاری نفتی و غیر نفتی بعد از سال 1397 (خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم های مجدد) در حدود 20 دلار بوده که در عملکرد سال 1402 نیز نزدیک به همین رقم بوده است



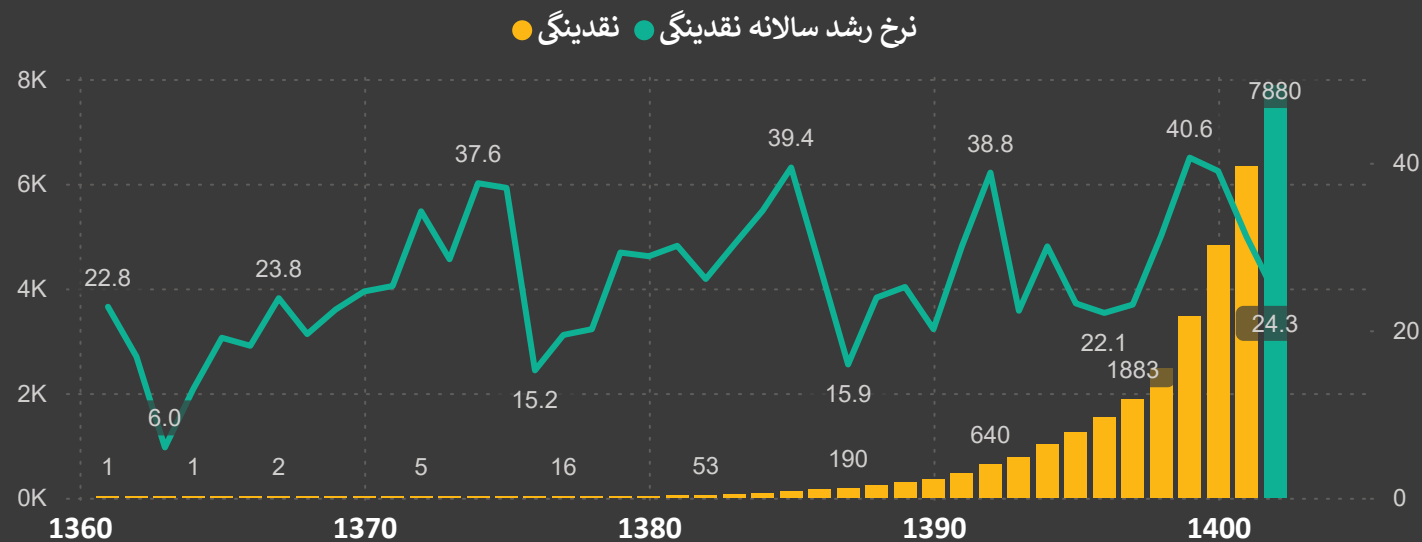
بازار پول و تورم
(تورم، نقدینگی و پایه پولی)

روند رشد پایه پولی در ایران در 3 دهه اخیر - هزار میلیارد تومان/درصد



متوسط رشد سالانه «پایه پولی» در 3 دهه اخیر 22 درصد بوده که در سال 1402 بعد از 6 سال این رقم تکرار شده است. متوسط نرخ رشد پایه پولی در حد فاصل سال های 1398 تا پایان 1401 در حدود 35 درصد بوده که دولت سیزدهم با کنترل این متغیر، رشد آن را تا 22 درصد کاهش داده است. پایه پولی در پایان 1402 در حدود 1107 هزار میلیارد تومان بوده که «بدهی بانک ها به بانک مرکزی» سهم 65 درصدی از آن دارد. به طور کل پیش بینی میشود با توجه به اجرای سیاست کنترل ترازنامه در سال 1403 نیز شاهد کنترل این متغیر باشیم

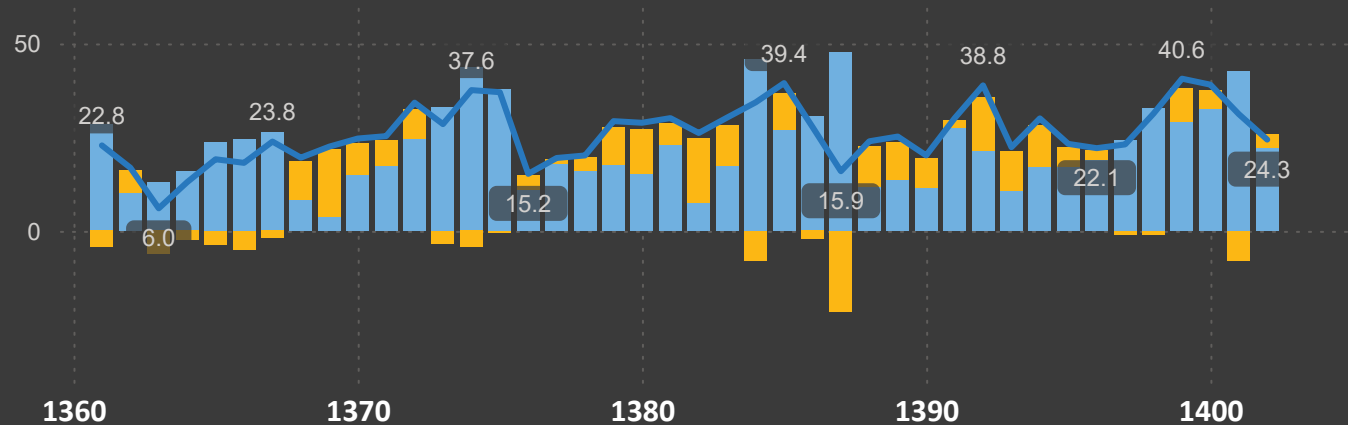
روند رشد نقدینگی در ایران در 3 دهه اخیر - هزار میلیارد تومان/درصد



متوسط رشد سالانه «نقدینگی» در 3 دهه اخیر 24 درصد بوده که در سال 1402 بعد از 9 سال و در دولت سیزدهم به این رقم نزدیک شده ایم. متوسط نرخ رشد نقدینگی در حد فاصل سال های 1393 تا پایان 1400 در حدود 30 درصد بوده که دولت سیزدهم با کنترل این متغیر، رشد آن را تا 24 درصد کاهش داده است. مقدار نقدینگی با رشد 24 درصدی در پایان سال 1402 به حدود 7880 هزار میلیارد تومان رسیده که علت اصلی کنترل آن، اجرای سیاست «کنترل سیاست ترازنامه» از سال 1399 بوده. به طور کلی نگاهی به آمارهای انتشاری بانک مرکزی نشان می دهد نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی و نرخ رشد نقطه به نقطه پایه پولی در حال نزدیک شدن به هم هستند. این آمارها تایید کننده این فرضیه هستند که نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی و پایه پولی در بلندمدت همگرایی بیشتری با یکدیگر دارند

روند رشد نقدینگی در ایران در 3 دهه اخیر - هزار میلیارد تومان/درصد

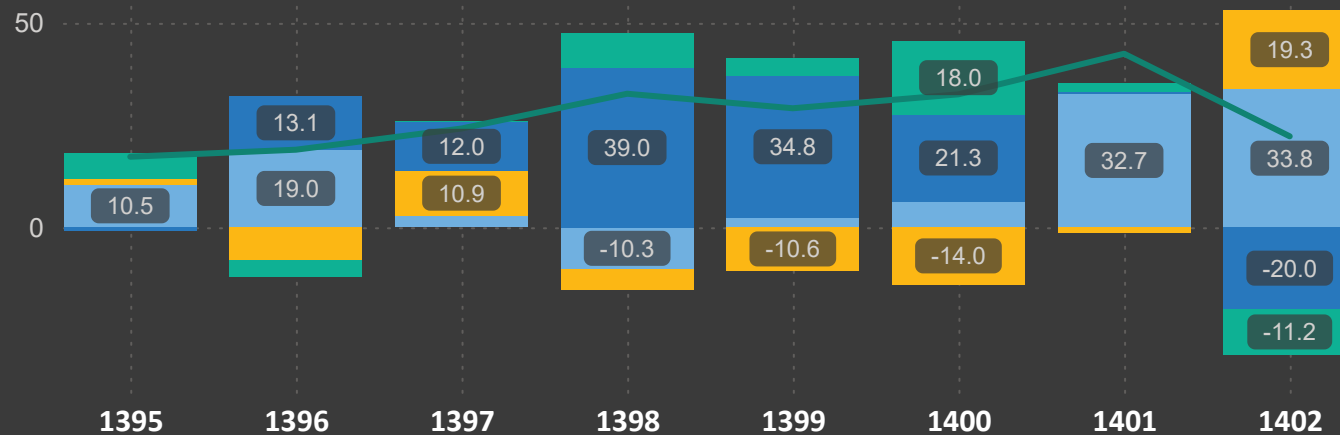
نرخ رشد نقدینگی ● نرخ رشد ضریب فزاینده ● نرخ رشد پایه پولی



مطابق آمارهای بانک مرکزی، ضریب فزاینده در ایران تا قبل از دهه 90 بین 2 تا 4 واحد بوده به این معنی که 1 ریال پایه پولی به 2 تا 4 ریال نقدینگی تبدیل شده است، اما این متغیر در دهه 90 به به عدد 6 تا 7 واحد رشد پیدا کرده و در سال 1400 رکورد 8 واحدی را ثبت نمود. در نهایت اما طی دو سال اخیر با اجرای سیاست های انقباضی پولی توسط بانک مرکزی از جمله کنترل رشد ترازنامه و افزایش نسبت سپرده قانونی این متغیر کاهش یافته و در پایان اسفند 1402 به عدد 7.1 واحد رسیده است. با کنترل ضریب فزاینده نرخ رشد این متغیر نیز کاهش یافته و به موازات آن نیز نرخ رشد نقدینگی نیز در همین روند قرار گرفته است

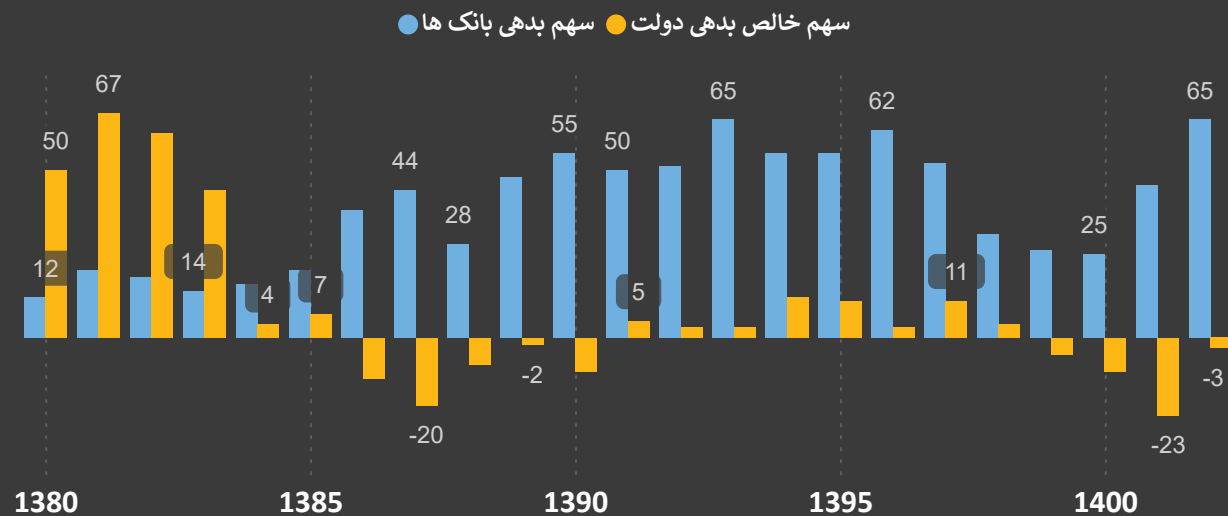
سهم اجزای پایه پولی از رشد آن (نسبت به اسفند سال قبل) درصد

رشد پایه پولی ● سایر دارایی ها ● خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی ● خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی ● بدهی بانک مرکزی به بانک ها



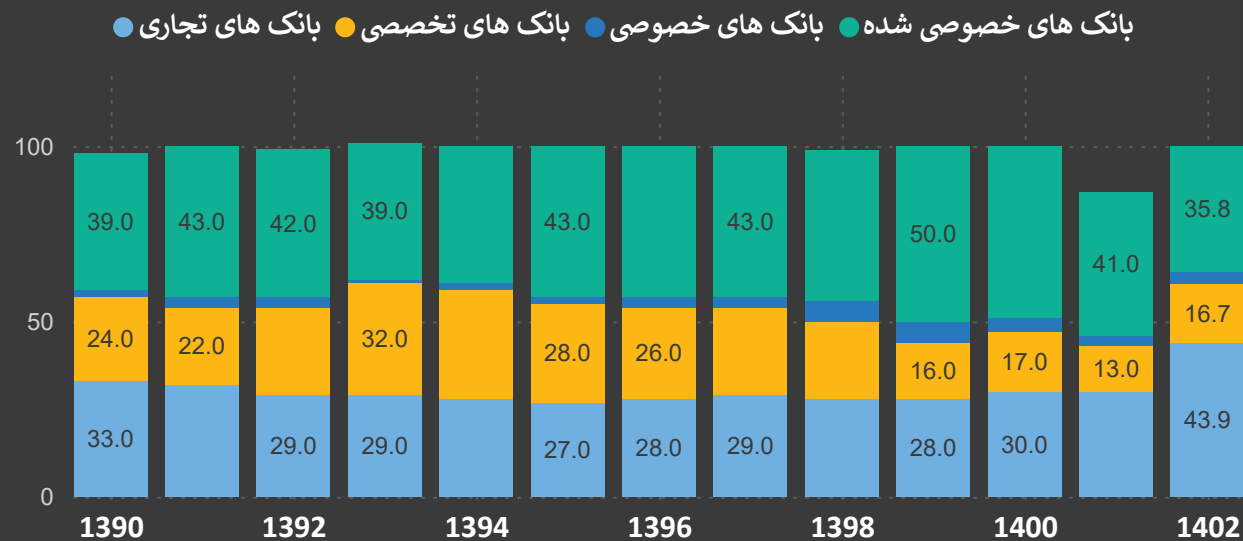
طی سال های 1401 و 1402 بر خلاف سه سال گذشته آن، سهم سرفصل «بدهی بانک ها به بانک مرکزی» از رشد پایه پولی افزایش پیدا کرده به طوری که سهم بانک ها در سال 1402 تقریباً 33.8 و در سال 1401 نیز 32.7 درصد از کل رشد پایه پولی بوده است. این موضوع با توجه به سهم 65 درصدی بدهی بانک ها به بانک مرکزی از کل پایه پولی نشان میدهد که همچنان ناترازی نظام بانکی مهم ترین علت رشد پایه پولی بوده است، البته لازم به ذکر است که افزایش بدهی بانک ها به بانک مرکزی در جهت تامین کسری منابع لازم بوده و این مهم به دلیل فعال بودن سیاست کنترل مقداری ترازنامه در نهایت نمیتواند افزایش نقدینگی منجر شود

مقایسه سهم بدهی بانک ها و بدهی دولت به بانک مرکزی - درصد



شبکه بانکی طی سال های 1390 الی 1400 با ناترازی های زیادی رو به رو بوده است. ناترازی درآمد - هزینه و ورود و خروج وجوه به بانک ها در نهایت منجر به خلق نقدینگی از محل تسهیلات و سود سپرده های جدید و همچنین فشار بر پایه پولی شده است. سهم بانک ها از ایجاد پایه پولی در میانه دهه 90 به اوج خود رسیده بود مجدداً به همان محدوده یعنی 65 درصد بازگشته است اما باید توجه داشت که به دلیل اجرای سیاست «کنترل ترازنامه، بانکها با محدودیت اعتبار مواجه بوده و به همین دلیل اقدام به برداشت از پایه پولی میکنند اما این نوع برداشت از پایه پولی اصطلاحاً عقیم بوده و نمیتواند به تولید نقدینگی منجر شود. در هر صورت باید سیاست های سامان دهی دارایی و بدهی بانک ها که توسط بانک مرکزی در حال پیگیری است، در سال های آینده نیز ادامه یابد

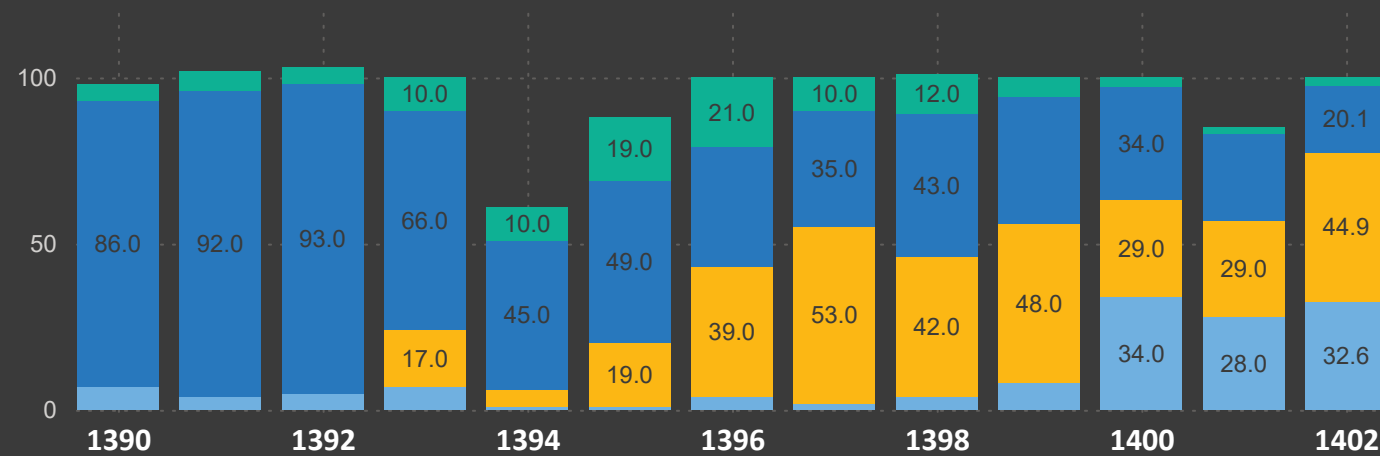
سهم بانک های مختلف در تامین مالی بخش دولتی - درصد



در توضیح بالا بودن بدهی بانک ها به بانک مرکزی، اعلام میشود که فشار های دولتی و تسهیلات تکلیفی است که منجر به رشد ترازنامه بانک ها و در نهایت نیاز آن ها به استقرار از بانک مرکزی شده است. بررسی ها نشان میدهد که در طول یک دهه اخیر سهم بانک های خصوصی که بیشترین بدهی ها را به بانک مرکزی دارند از تامین مالی بخش دولتی در حدود 3 درصد بوده است. این در حالی است که سهم بانک های خصوصی از کل بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی در سال 1403 در حدود 45 درصد بوده است

سهم بانک های مختلف از مجموع بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی- درصد

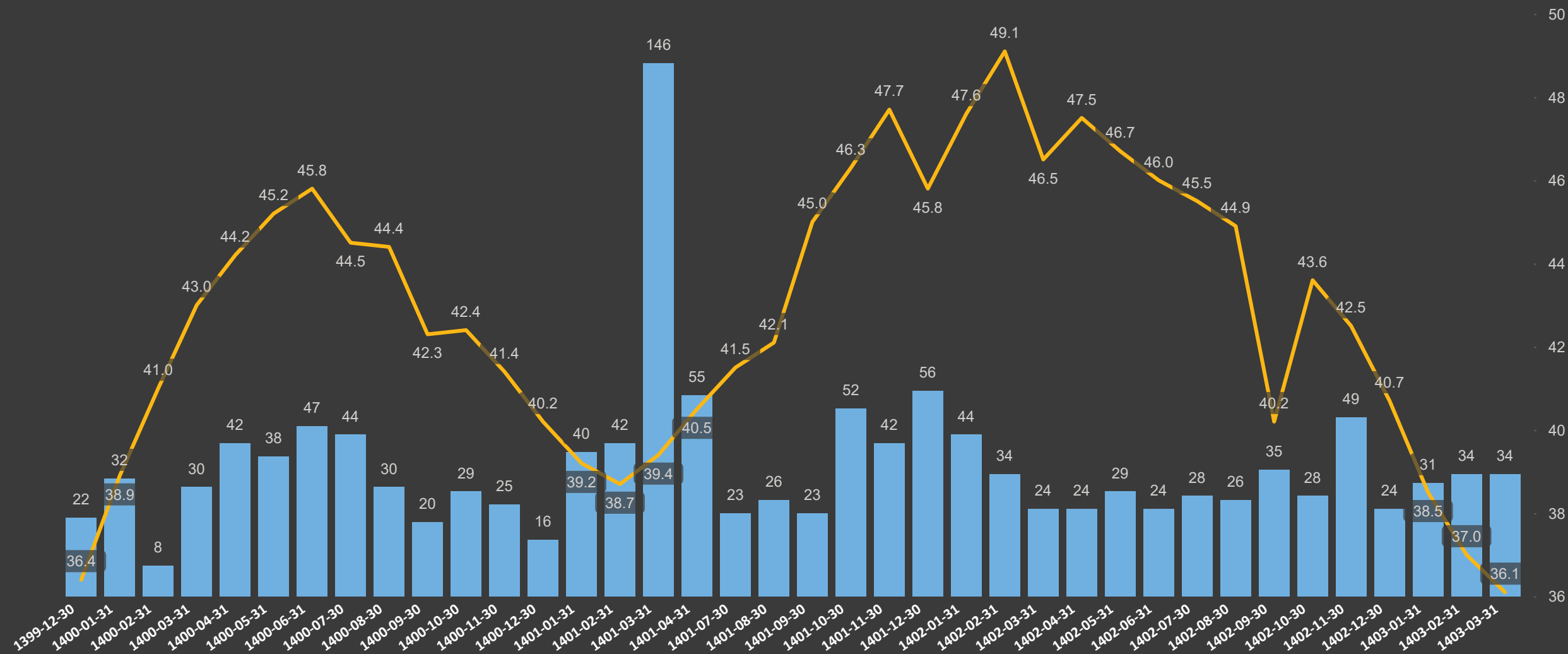
● بانک های خصوصی شده ● بانک های تخصصی ● بانک های تجاری ● بانک های خصوصی



براساس دسته بندی بانک مرکزی اگر بانک ها را به 4 دسته بندی؛ بانک های تجاری، بانک های تخصصی، بانک های خصوصی شده و بانک های خصوصی تقسیم کنیم، سهم بانک های خصوصی از تامین مالی بخش دولتی (در واقع تسهیلات و کمک های است که دولت از سمت بانک های خصوصی پرداخت کرده) در سال 1400 تقریباً 4 درصد بوده است. در واقع بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در سال 1402 در مجموع 1309 هزار میلیارد تومان بوده که تنها 3 درصد آن را بانک های خصوصی تامین کرده اند. در تمام دهه 90 میانگین تامین مالی دولت توسط بانک های خصوصی حدوداً 3 درصد (سهم در مقایسه با دیگر بانک ها) است که در واقع رقم بسیار ناچیزی را نشان می دهد. این در حالی است که در همان سال 1402، بدهی بانک های خصوصی به بانک مرکزی، 45 درصد از کل بدهی بانک ها به بانک مرکزی را تشکیل داده است. در این سال بانک های خصوصی تقریباً 29 هزار میلیارد تومان در ایجاد پایه پولی نقش داشته اند و این در حالی بوده که کل بدهی بانک ها به بانک مرکزی 146 هزار میلیارد تومان بوده است. میانگین سهم بانک های خصوصی از کل بدهی بانک ها به بانک مرکزی در دهه 90 حدود 35 درصد بوده است. یعنی در هر سال تقریباً 35 درصد از بدهی بانک ها به بانک مرکزی را تنها بدهی و اضافه برداشت های بانک های خصوصی از پایه پولی تشکیل داده است. این در حالی است که نشان داده شد این بانک هیچ گونه نقشی در تامین مالی دولت نداشته و بدهی دولت به این بانک ها بسیار ناچیز است. بنابراین این استدلال که عمده افزایش سهم بدهی بانک ها به بانک مرکزی از ناحیه بدهی دولت به بانک ها است با توجه به شواهد موجود قابل تأیید نیست و آنچه که مشخص است رشد پایه پولی تنها منتج از فعالیت های دولت نیست و به وضوح نقش سیستم بانکی در این موضوع پررنگ تر است. اگر قبول کنیم که تورم در اقتصاد ایران لاقابل به اندازه میانگین تاریخی آن بر اثر رشد نقدینگی بوده (تورم های بالاتر از میانگین حاصل شوک های ناشی از جهش نرخ ارز است) باید بدانیم که این نقدینگی از دو مسیر متولد می شود و باید هر دو مسیر کنترل شود. اولاً؛ ناشی از افزایش پایه پولی و نظریه برونزای پولی است که مشاهده شد بانک ها در خلق و ایجاد آن نقش ویژه ای دارند. دوماً؛ نتیجه عرضه درونزای پول است که در واقع در این حالت بانک ها خود مانند بانک مرکزی، خالق مستقیم پول می شوند. پذیرش هردوی این عوامل به عنوان ریشه اصلی تورم در کشور، راه حل مشخصی دارد که مجال آن در این گزارش نیست. اما به طور خلاصه کنترل ترانزنامه های بانک ها و وضع محدودیت و نظارت بر رشد ترانزنامه های بانکی و درعین حال عدم فعالیت بانک ها در بخش نامولد اقتصاد فاکتورهای لازم و کمک کننده در جهت کاهش نقش برخی بانک ها در اقتصاد است

رند تورم سالانه و تورم انتظاری از سال 1399 به بعد

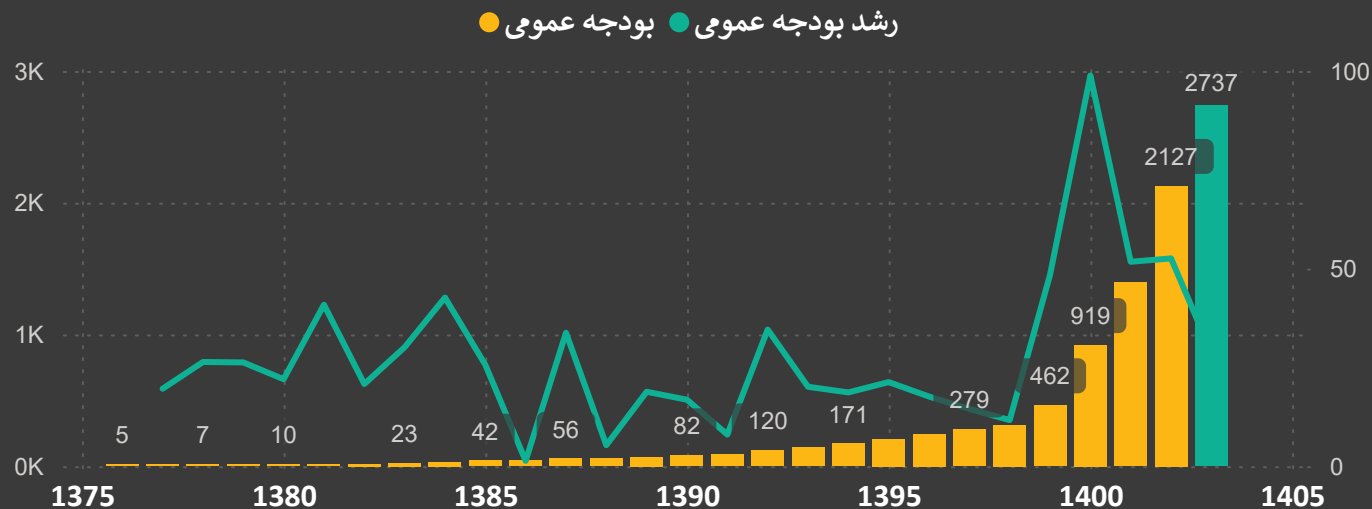
● تورم سالانه ● تورم انتظاری





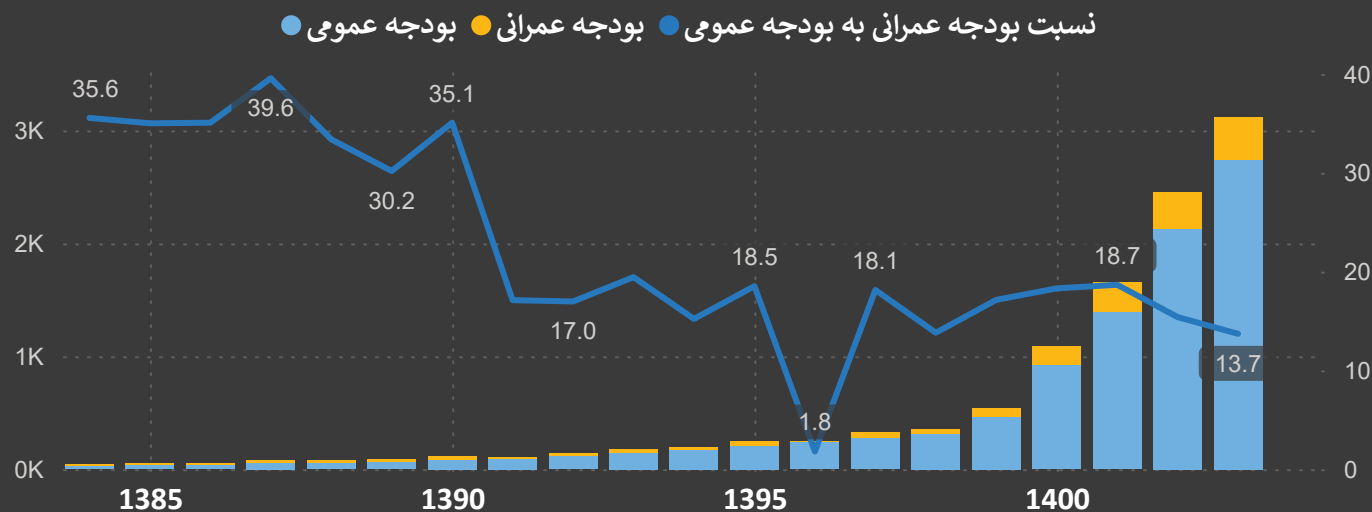
وضعیت بودجه
(بودجه عمومی، عمرانی، منابع و مصارف)

سقف بودجه عمومی و رشد آن نسبت به سال قبل - هزار میلیارد تومان / درصد



بودجه در حقیقت نشان دهنده کیفیت و هزینه اداره کشور است که در ایران عموماً با معضل بیش برآوردی منابع و در مقابل عدم تحقق مصارف به خصوص مصارف عمرانی رو به رو است. متوسط رشد سالانه بودجه در 3 دهه اخیر حدود 28 درصد بوده که دولت سیزدهم در بودجه 1403 بعد از 5 سال، رشد بودجه را در همین حدود رعایت کرده است. بیشترین رشد بودجه در سال آخر دولت دوازدهم با ثبت رقم 99 درصدی اتفاق افتاده در دولت سیزدهم رفته رفته کاهش پیدا کرده است. بودجه کل کشور در سال 1403 در حدود 2737 هزار میلیارد تومان برآورد شده که 374 هزار میلیارد تومان آن بودجه اختصاصی و ما باقی بودجه عمومی است

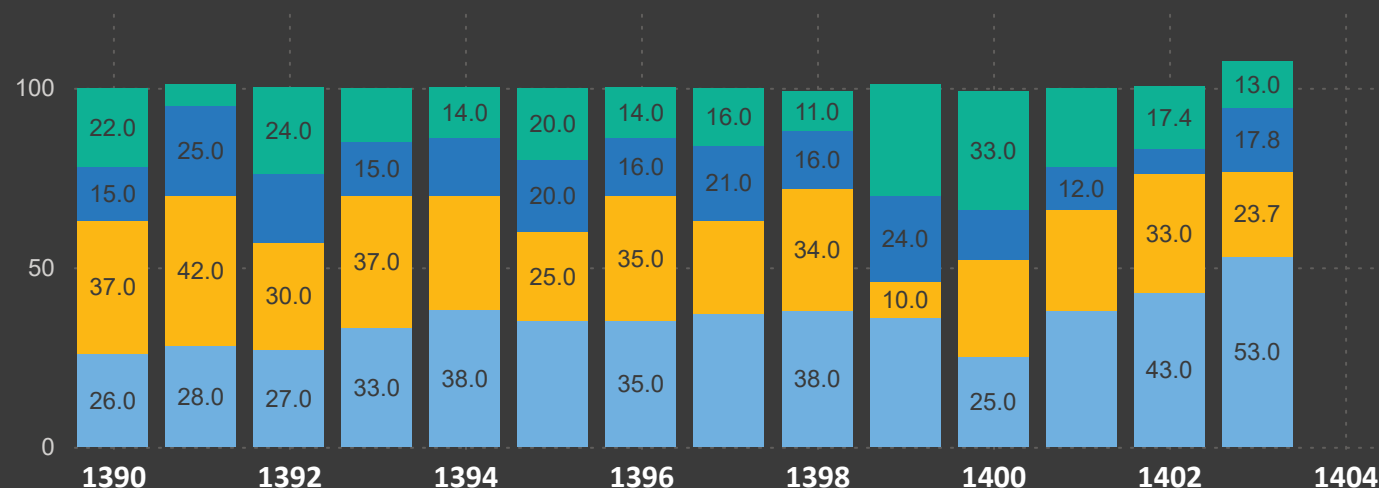
مقایسه بودجه عمومی و عمرانی و نسبت بودجه عمرانی به بودجه عمومی - هزار میلیارد تومان / درصد



مصارف عمرانی همواره سهم بالایی از بودجه عمومی نداشته و در 10 سال اخیر به طور متوسط سهم 14 درصدی را از بودجه به خود اختصاص داده که در بودجه سال 1403 نیز همین موضوع تکرار شده است. اهمیت بودجه عمرانی آن جایی است که در یک دهه اخیر همواره درصد تحقق آن بسیار پایین تر از رقم پیشبینی بوده و همین موضوع غلبه هزینه های جاری بر هزینه های عمرانی را نشان میدهد. در بودجه 1403 هزینه های عمرانی بیش از 34 درصد نسبت به عملکرد بودجه 1402 افزایش داشته که در صورت تحقق رقم قابل توجهی است

سهم منابع مختلف از منابع بودجه (بدون احتساب بودجه اختصاصی) - درصد

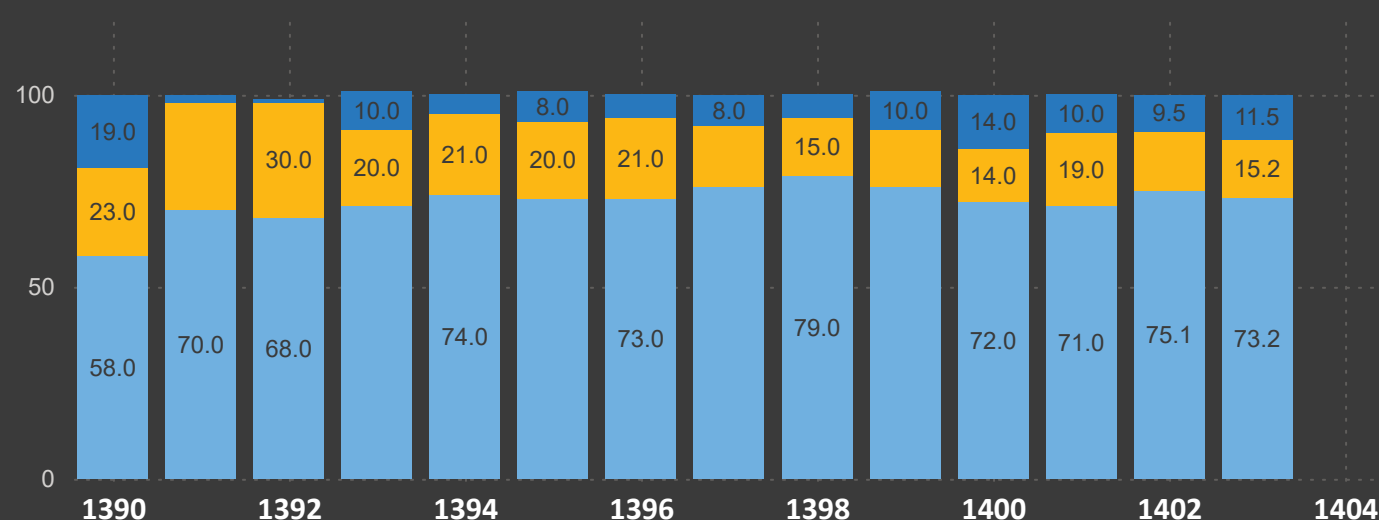
● واگذاری دارایی‌های مالی ● سایر درآمدهای عملیاتی و سرمایه‌ای ● نفت و فرآورده‌های نفتی ● مالیات



وابستگی درآمد های دولت به بخش نفت به این معنی است که یک متغیر خارجی که کنترل آن در دست سیاستگذاران نبوده وارد محاسبات توسعه کشور شده. سهم نفت از کل بودجه در نیمه اول دهه 90 بین 37 تا 42 درصد بوده که این رقم برای بودجه 1402 به 33 درصد و برای بودجه 1403 به 23 درصد رسیده است. در واقع دولت سیزدهم با کاهش اتکا به درآمد های نفتی، سهم مالیات را افزایش داده و به حدود 50 درصد رسانده است. نکته قابل توجه در بودجه 1403 افزایش سهم «سایر درآمد های عملیاتی و سرمایه» بوده که عمدتاً به افزایش درآمد حاصل از گمرک مربوط است. به نظر می‌رسد در این بخش بودجه 1403 با بیش برآوردی همراه باشد. همچنین در بخش واگذاری دارایی های مالی تغییر قابل توجهی به چشم نمی آید که از نکات مثبت بودجه 1403 می‌باشد

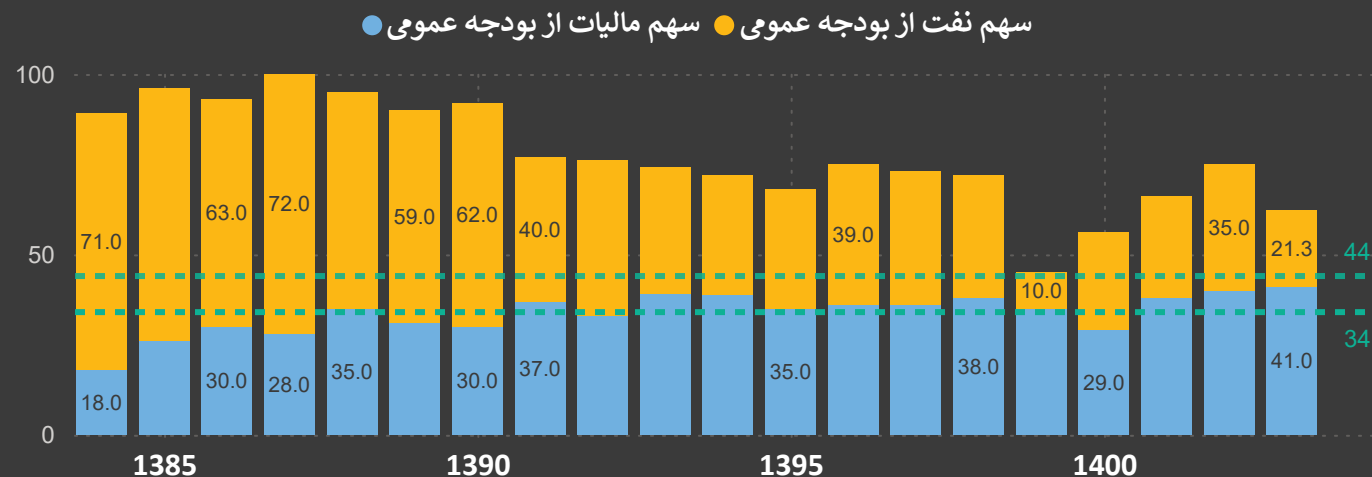
سهم اقلام مختلف از مصارف بودجه (بدون احتساب بودجه اختصاصی) - درصد

● تملک دارایی‌های مالی ● تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ● هزینه‌های جاری



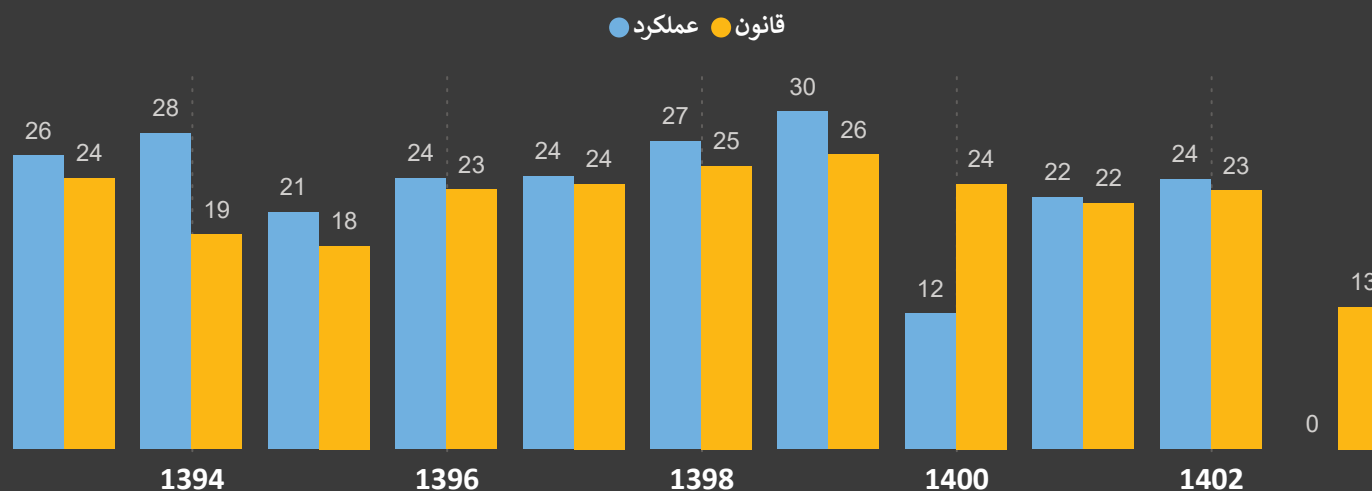
مصارف عمومی دولت (اعتبارات هزینه ای) در بودجه 1403 در مقایسه با عملکرد بودجه 1402 در حدود 21 درصد رشد داشته. هزینه های جاری (عمدتاً حقوق و دستمزد را تشکیل می‌دهد) که مولفه اصلی مصارف دولت بوده تنها 16 درصد افزایش داشته که در واقع کنترل شده است. همچنین هزینه های عمرانی (تملك دارایی های سرمایه ای) در مقایسه با سال گذشته 34 درصد افزایش داشته (در سال 1402 بخشی از بودجه عمرانی محقق نشده است) که در صورت تحقق رقم قابل توجهی است. لازم به ذکر است در سال های اخیر به دلیل غلبه هزینه های جاری (خاصه حقوق و دستمزد کارکنان) بر هزینه های عمرانی، همواره هزینه های عمرانی کمتر از رقم پیش بینی شده تحقق پیدا کرده اند. همچنین به دلیل سر رسید پرداخت بازپرداخت اوراق دولتی، سر فصل تملك دارایی های مالی در مقایسه با سال گذشته 47 درصد رشد داشته است. در بخش منابع گفته شد که به دلیل کنترل اوراق مالی دولت، در بودجه 1403 سهم اوراق از منابع افزایش چندانی نداشته تا در بودجه سال های آینده، سر فصل تملك دارایی های مالی کنترل شود

سهم درآمد های مالیاتی و نفتی از بودجه عمومی (بودجه اختصاصی در نظر گرفته شده است) - درصد



درآمد از محل صادرات نفت و درآمد مالیاتی دو عدد مهم و اصلی در بودجه هستند. به طوری که متوسط سهم نفت از بودجه در 2 دهه اخیر 44 درصد و در مقابل متوسط سهم مالیات در حدود 34 درصد بوده است. دولت سیزدهم در لایحه سال 1403 پیش بینی کرده که درآمدهای مالیاتی ۵۰ درصد رشد و درآمدهای نفتی ۱۶ درصد کاهش خواهند داشت. به این ترتیب که سهم مالیات از بودجه 1403 در حدود 41 درصد و سهم نفت 21 درصد خواهد بود. بنابراین اگرچه تا سال جاری، نفت سهم بالاتری از درآمد نسبت به مالیات داشته، در لایحه بودجه سال آینده، سهم درآمدی مالیات، دوبرابر نفت است

نسبت کسری تراز عملیاتی به سقف بودجه - درصد



کسری تراز عملیاتی حاصل تفاضل هزینه ها (منهای اعتبارات عمرانی) از درآمد های دولت (منهای درآمد نفت و فروش اموال و اوراق) بوده که روند رو به رشد آن در دهه 90 شدت گرفت و برای مثال در سال 1399 به 30 درصد از کل بودجه رسیده. در بودجه سال 1403 نیز کسری تراز عملیاتی در حدود 307 هزار میلیارد تومان برآورد شده که 13 درصد از کل بودجه را نشان میدهد. در واقع نسبت کسری تراز عملیاتی در سال 1403 در صورت تحقق منابع و مصارف، کمترین کسری در یک دهه اخیر است. لازم به ذکر است کسری بودجه به بیش برآوردی کلیه منابع نسبت به مصارف گفته میشود که کلی تر از کسری تراز عملیاتی است

عارضه یابی روند کلان اقتصاد ایران

